

ایران



دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته فلسفه

قلمرو دین از دیدگاه علامه جعفری

و

آیت الله جوادی آملی

محمد حسین صادقی

استاد راهنما

جناب آقای دکتر اسدی

استاد مشاور

جناب آقای دکتر نصری

تیر ۱۳۹۱

ب

فرم گردآوری اطلاعات پایات نامه ها کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

عنوان: قلمرو دین از دیدگاه علامه جعفری و استاد جوادی آملی	
نویسنده / محقق: محمد حسین صادقی	
مترجم: -	
استاد راهنما: جناب آقای دکتر اسدی استاد مشاور/استاد داور: جناب آقای دکتر نصری	
کتابنامه: - واژه نامه: -	
نوع پایان نامه: بنیادی <input type="checkbox"/> - توسعه ای <input type="checkbox"/> کاربردی <input type="checkbox"/>	
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد سال تحصیلی: ۹۰-۹۱	
محل تحصیل: تهران نام دانشگاه: علامه طباطبائی دانشکده: ادبیات	
تعداد صفحات: ۱۲۱ گروه آموزشی: فلسفه	
کلید واژه ها به زبان فارسی: قلمرو دین ، کارکرد دین ، ، حیات معقول، ارتباطات چهارگانه ، معرفت شناختی	
کلید واژه ها به زبان انگلیسی: Religion dominion , religion function , advisable existence , tetrahedron communications , epistemology	

چکیده

الف) موضوع و طرح مسئله (اهمیت موضوع و هدف): هدف اصلی این رساله یافتن پاسخ این پرسش است که از دیدگاه علامه محمد تقی جعفری و استاد جوادی آملی قلمرو دین تا کجاست؟ دین تا کجاها قدرت و توانایی دستگیری انسان را دارد؟ آیا دین تنها برای اداره زندگی اخروی انسانها آمده یا برای زندگی دنیوی آن ها هم طرح و برنامه دارد؟ موضوع رساله از این جهت حایز اهمیت است که سخن گفتن از علم دینی، ولایت عام و فراگیر دین، نظام دینی نوین ونفی نظریه جدایی دین از سیاست تنها در سایه روشن شدن قلمرو و محدوده دین معنا پیدا می کند.

ب) مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چهارچوب نظری و پرسش ها و فرضیه ها: منابع اصلی این رساله آثار تالیفی هر دو بزرگوار می باشد بخصوص کتاب «فلسفه دین» استاد جعفری و کتاب «انتظاربشر از دین»، «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» و «نسبت دین ودنیا» ی استاد جوادی آملی. پرسش محوری مادر این تحقیق این است که رویکرد این دو استاد به قلمرو دین حداکثری است یا حداقلی؟ و در مقابل فرضیه نخستین این است که از نگاه استاد جعفری و همچنین استاد جوادی آملی دین هم برای زندگی دنیوی و هم زندگی اخروی انسانها طرح و برنامه دارد. یعنی دین حداکثری است.

پ) روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، جامعه مورد تحقیق، نمونه گیری و روش های نمونه گیری، ابزار اندازه گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه وتحلیل داده ها: در این تحقیق از روش تحلیل کتابخانه ای بهره گرفته شده است.

ت) یافته های تحقیق: از دیدگاه هر دو استاد قلمرو دین بسیار گسترده و فراگیر است به گونه ای که هم زندگی دنیوی و هم اخروی انسان ها را شامل می شود، دین به تمام نیازها وسوالات انسان در دو قلمرو چنان که هست وچنان که باید باشد پاسخ می دهد.

ث) نتیجه گیری و پیشنهادات: نگاه استاد جعفری و استاد جوادی آملی به دین نگاه حداکثری است هر دو معتقداند دین برای تمام ابعاد اجتماعی، فردی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و خانوادگی زندگی انسان و در تمام دوره های آن برنامه هدایت دارد. یعنی هیچبعدی از ابعاد زندگی انسان نیست که توسط دین فراموش شده باشد واز طرف دیگر با توجه به اینکه قلمرو دین هم شامل حیات مادی و هم معنوی انسان ها می شود لذا سخن گفتن از جدایی دین از سیاست و این که دین آمده تا تنها زندگی پس از مرگ را اداره کند، هم از حیث درون دینی و هم از حیث برون دینی بی معنا می باشد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم براساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.

نام استاد راهنما :

سمت علمی:

نام دانشکده:

رئیس کتابخانه:

پیشگفتار

خداوندا، کریم کردگارا زیک قطره پدید آوردی مارا
به نام نامیت آغاز کردم در درج سخن را باز کردم

۱- در گام نخست هنگامی که به اتاق کاری استادم جناب آقای دکتر اسدی جهت مشورت در باب موضوع پایان نامه رفتم قصدم این بود که معنای زندگی از نگاه علامه جعفری را بعنوان موضوع انتخاب کنم اما بدلیل تکراری بودنش استاد موضوع حاضر را پیشنهاد دادند و من هم آنرا با کمال میل قبول کرده و بعد از اینکه موضوع در جلسه گروه فلسفه دانشکده به تصویب رسید کارم را آغاز کردم.

۲- در همین بادی امر باید بگویم تحقیق پیش روی شما همچون هر اثر تالیفی دیگری خالی از عیب و نقص نیست. حتی می توان گفت عیوب لفظی و معنوی آن بیش از نقاط قوت و محاسنش است. با این وجود هر کجا کم و کاستی به چشم می خورد آن را از جانب نگارنده بدانید و هر کجا نقطه قوتی (اگر یافت شود) بود آن را از جانب استادان گرانقدرم دکتر اسدی و دکتر نصری، راهنمایی ها و ارشادات این دو بزرگوار در طول نگارش این تحقیق همیشه چراغ راهم بوده است. همچنین بر خود فرض می بینم که از لطف عنایت جناب دکتر پور حسن بخاطر مطالعه تحقیقم قبل از جلسه دفاع و همچنین از طرح اشکالات هولناک در نگاه نخست ، اما سازنده ایشان در جلسه دفاع تشکر کنم.

۳- از آنجایی که بحث قلمرو دین و بحث انتظار انسان از دین رابطه نزدیک و مستقیمی با هم دارند ، یعنی ما در هر دو مسئله به تبیین حدود دین می پردازیم و در پی پاسخ این پرسش هستیم که دین به بیان چه اموری می پردازد؟ و پاسخگوی کدامیک از خواسته ها و نیازهای بشری است؟ و از آنجایی که استاد جوادی آملی به طور مستقیم و مشخص به مسئله قلمرو دین پرداخته اند و بایستی مخصوص این بحث باز نکرده اند لذا برای دریافت و فهم دیدگاه ایشان در مورد قلمرو و گستره پاسخگویی دین به سوالات بشر و حوزه های دخالت آن در زندگی او ، منبعی که بیش از دیگر آثار استاد به این تحقیق یاری رساند کتاب انتظار بشر از دین ایشان بود. از رهگذر مطالعه این کتاب بود که به چهارچوب نظام فکری ایشان در باب قلمرو دین پی بردم. در گام های بعدی از دیگر آثار استاد من الجملة «نسبت دین و دنیا» و «منزلت عقل در هندسه معرفت دینی» بهره وافر بردم.

چکیده

رویکرد استاد جعفری به قلمرو دین رویکردی حداکثری است. ایشان به دلایل زیر معتقداند دین و فقه اسلام می تواند به تمامی نیازهای مادی و معنوی بشر پاسخ مناسب بدهد: ۱- حیات معقول؛ این نوع حیات بعنوان حیات حقیقی واصل انسانطبق تعریف (تلاشی آگاهانه به رهبری شخصیت انسانی در مسیر قرار گرفتن در جاذبه کمال مطلق) بر اعتقاد به کمال مطلق یعنی خداوند منطبق است. و این یعنی بدون حضور دین و پیروی از دستورات الهی در تمام امور زندگی حیات واقعی و حقیقی انسان محقق نمی شود. در غیر این صورت انسان در حیات طبیعی که بین او و حیوان مشترک است دست و پا می زند. ۲- کمال فقه و بالتبع آن کمال دین؛ دین کامل است. لازمه کمال دین این است که به همه نیازهای مادی و معنوی انسان در جریان ارتباطات چهارگانه و در دو حوزه «چنان که هست» و «چنان که باید» پاسخ دهد. بنابراین دین حداکثری است.

استاد جوادی آملی هم در بحث قلمرو دین و کارکرد آن معتقد به دیدگاه حداکثری می باشند. دلایل ایشان برای اختیار این رویکرد عبارتند از: ۱- آیاتی از قبیل آیه ۲۰۱ سوره بقره «ربنا آتنا فی الدنیا حسنه و فی الآخرة الحسنه» و روایات گوناگونی ثابت می کنند دین با وجود نظارتش بر آخرت و جنبه ابدیت انسان به ابعاد گوناگون زندگی او در دنیا نیز نظر دارد. به عبارت دیگر دین اسلام به دلیل تاییدات درون دینی و ادعای خود دین کامل است و میان کمال دین و پاسخگو بودن به تمامی نیازهای بشری ملازمه است. بنابراین دین حداکثری است. ۲- عقل انسان چون محدود و خطا پذیر است نمی تواند تمام نیازهای مادی و معنوی و تمام نواقص فردی و جمعی خویش را بر طرف کند. لذا خداوند طبق حکمت خود باید برای تمامی ابعاد زندگی بشر از طریق ارسال رسل برنامه بفرستد. و این یعنی دین باید کامل باشد و تمام جنبه های زندگی انسان را در چهارچوب ارتباطش با خویشتن، با خدا، با جهان هستی و با هموعان در بر گیرد.

واژگان کلیدی: قلمرو دین، کارکرد دین، حیات معقول، ارتباطات چهار گانه، معرفت شناسی

فهرست

مقدمه	۱
بخش اول	۴
قلمرو دین از دیدگاه استاد جعفری	۴
فصل اول	۵
مبانی بحث قلمروشناسی دین	۵
الف) حقیقت دین	۵
۱) تعریف دین	۵
۱-۱) تعاریف عام	۶
۱-۲) تعاریف ماهوی	۶
۱-۳) تعاریف روان شناختی و جامعه شناختی	۶
۱-۴) تعاریف غایت گرایانه و اخلاق گرایانه	۷
ارکان دین	۷
۲) دلایل نیازمندی بشر به دین	۸
۳) نیاز بشر به دین جاودانه است	۱۰
۴) دین جایگزین ندارد	۱۱
ب) حقیقت حیات	۱۲
۱) حیات طبیعی	۱۲
۲) حیات معقول	۱۳
۲-۱) مقصود از معقول در حیات معقول	۱۴
۲-۲) عناصر حیات معقول	۱۵
۲-۲-۱) حیات آگاهانه	۱۵
۲-۲-۲) تنظیم نمودن نیروها و فعالیت ها	۱۵

۱۵.....	۲-۲-۳) شخصیت انسان در مسیر ساخته شدن
۱۵.....	۲-۲-۴) ورود به هدف اعلای زندگی
۱۶.....	بررسی شئون زندگی در حیات معقول
۱۶.....	۱) اخلاق
۱۷.....	۲) حقوق
۱۷.....	۳) علم
۱۸.....	۴) سیاست
۱۸.....	۵) اقتصاد
۱۹.....	ج) ویژگی های فقه اسلامی
۱۹.....	۱) چیستی فقه
۱۹.....	۲) کمال فقه
۲۱.....	۳) گستره فقه اسلامی
۲۱.....	۴) پویایی فقه اسلامی
۲۲.....	۵) برتری فقه اسلامی بر مکاتب حقوقی
۲۳.....	۶) آمیزش حقوق و اخلاق در فقه اسلامی
۲۵.....	نتیجه
۲۶.....	پاسخ به یک پرسش
۲۷.....	فصل دوم
۲۷.....	روش قلمروشناسی دین و کارکرد آن
۲۸.....	۱) ارتباطات چهارگانه انسان در چهار چوب هست ها
۲۸.....	۱-۱) ارتباط انسان با خویشتن
۳۰.....	۱-۲) ارتباط انسان با خدا
۳۱.....	۱-۳) ارتباط انسان با جهان هستی

۳۳	۱-۴) ارتباط انسان با همنوعان خود
۳۴	۲) ارتباطات چهارگانه انسان در چهارچوب بایدها
۳۴	۲-۱) ارتباط انسان با خویشان
۳۶	۲-۲) ارتباط انسان با خدا
۳۷	۲-۳) ارتباط انسان با جهان هستی
۳۷	۲-۴) ارتباط انسان با همنوعان خود
۳۸	مسئله خاتمیت
۴۰	نتیجه گیری
۴۳	فصل سوم
۴۳	قلمرو دین در عرصه های گوناگون حیات بشری (ملاک دینی بودن چیست؟)
۴۵	۱) قلمرو دین در عرصه هنر
۴۷	۲) قلمرو دین در عرصه تکنولوژی
۴۹	۳) قلمرو دین در عرصه اقتصاد
۵۰	۴) قلمرو دین در عرصه مدیریت
۵۲	بخش دوم
۵۲	قلمرو دین از دیدگاه استاد
۵۲	جوادی آملی
۵۳	فصل اول
۵۳	مبانی بحث قلمرو شناسی دین
۵۳	الف) دین شناسی
۵۳	۱) تعریف دین
۵۴	۲) تفکیک بعد هستی شناختی دین از بعد معرفت شناختی آن
۵۴	۳) کارکردهای دین

۵۴.....	۳-۱) شناساندن حسن و قبح افعال به انسان
۵۵.....	۳-۲) معنابخشی به زندگی
۵۶.....	۳-۳) تعلیم حقایق دست نیافتنی
۵۶.....	۴) منابع دین
۵۶.....	۴-۱) منبع ثبوتی
۵۷.....	۴-۲) منبع اثباتی
۵۷.....	تنها عقل برهانی منبع اثباتی دین است
۵۹.....	ب) معرفت شناختی
۵۹.....	نقش عقل در بعد هستی شناختی دین
۶۱.....	نقش عقل در بعد معرفت شناختی دین
۶۲.....	خلاصه
۶۴.....	پاسخ به یک پرسش
۶۶.....	فصل دوم
۶۶.....	روش قلمرو شناسی دین و کارکرد آن
۶۷.....	الف) شناخت قلمرو دین از راه بررسی ادله ضرورت بعثت انبیاء
۶۸.....	ب) شناخت قلمرو دین از راه انسان شناسی
۶۹.....	انسان موجودی طبیعی و فراطبیعی
۷۱.....	ارتباطات چهارگانه انسان
۷۲.....	۱) تبیین قلمرو دین در چهارچوب ارتباط انسان با خود
۷۴.....	۲) تبیین قلمرو دین در چهارچوب ارتباط انسان با خدا
۷۴.....	۳) تبیین قلمرو دین در چهارچوب ارتباط انسان با طبیعت
۷۶.....	۴) تبیین قلمرو دین در چهارچوب ارتباط انسان با دیگر انسان ها
۷۸.....	مسئله خاتمیت

نتیجه گیری	۸۰
فصل سوم	۸۴
تبیین قلمرو دین در عرصه های گوناگون حیات بشر	۸۴
۱) قلمرو دین در عرصه امنیت ملی	۸۴
۱-۱) دین و اقتدار ملی	۸۵
۱-۲) تفاوت قدرت و اقتدار	۸۵
۲) قلمرو دین در عرصه اقتصاد	۸۶
الف) کار	۸۷
ب) تعدیل حس منفعت جویی	۸۸
ج) تاکید بر انگیزه الهی	۹۰
د) توزیع متعادل ثروت	۹۰
۳) قلمرو دین در عرصه حفظ صلح جهانی	۹۱
۴) قلمرو دین در عرصه رابطه انسان با محیط زیست	۹۲
۵) قلمرو دین در عرصه های گوناگون توسعه	۹۳
۵-۱) توسعه فرهنگی	۹۴
۵-۲) توسعه اخلاقی	۹۵
۵-۳) توسعه اقتصادی	۹۵
بخش سوم:	۹۷
ارزیابی و مقایسه	۹۷
۱) تعریف دین	۹۸
۲) خاتمیت	۱۰۰
۳) تعریف انسان و ارتباطات چهارگانه آن	۱۰۲
۴) علت نیاز به دین	۱۰۴

۱۰۶.....نسبت عقل و دین (۵)

۱۰۸.....منابع

۱۰۹..... Abstract

مقدمه

۱- بحث قلمرو دین و گستره پاسخگویی آن به نیازهای انسان امروزه یکی از مسایل مهم دین شناسی یا فلسفه دین به شمار می رود. از دیرباز، متفکران اسلامی در آثار گوناگون کلامی و فقهی خویش از مقوله ی قلمرو دین سخن گفته اند. اگرچه بحث از این مقوله در گذشته برای اندیشمندان اسلامی یک مسئله جدی و فراگیر نبوده و آنان ضرورتی برای بررسی عمیق آن نمی دیده اند، ولی امروزه مباحث مربوط به مبانی و مواضع دین در عرصه حیات اجتماعی و شناسایی قلمروی هدایت آن از اهمیت خاصی برخوردار است. طرح بحث قلمرو دین از جهات مختلف ضروری می نماید از جمله:

الف) تعیین قلمرو شریعت نقش موثری در ساختار توزیع قدرت و نظام سیاسی و فرهنگی و اقتصادی جامعه دارد مثلاً اگر قلمرو گسترده ای برای دین قائل نباشیم نمی توانیم از ولایت عام و فراگیر سخن بگوییم.

ب) با توجه به چند روش بودن علوم، به ویژه علوم انسانی و با عنایت به پذیرش مقوله‌ای به نام علم دینی ضرورت بحث قلمرو دین مضاعف می نماید، زیرا نمی توان از انحصار علوم تجربی در روش حسی و استقرایی و علوم فلسفی در روش عقلی و علوم تاریخی در روش نقلی سخن گفت. تمام علوم و معارف بشری از روش های متعدد مدد می گیرند. و روش درون متون دینی نیز، یکی از روش های کسب معرفت به شمار می آید.

ج) این بحث در جامعه ی ایران و حکومت اسلامی، که مدعی حکومت دینی نوین است، ضرورت می یابد زیرا تعریف دقیق این نظام دینی، تنها با تعیین قلمرو دین میسر می گردد.

۲- به طور کلی در بحث قلمرو دین دو رویکرد اصلی وجود دارد: یکی رویکرد حداقلی، دیگری رویکرد حداکثری.

رویکرد حداقلی یعنی دین (فقه) آمده تا حداقل نیازهای انسان را برآورده نماید، یعنی دین به مسائل دنیوی و زندگی اجتماعی انسان ها ارتباطی ندارد و اصولاً اداره جامعه و برنامه ریزی توسعه و تکامل اجتماعی به خود انسان و عقلانیت او واگذار شده است. دین تنها، رابطه معنوی انسان با خداوند و سعادت اخروی او را تامین می کند.

رویکرد حداکثری معتقد است که دین برای تمام ابعاد فردی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و سیاسی زندگی انسان و در تمام دوره های آن در دنیا و آخرت برنامه دارد. دین هیچ بعدی از ابعاد انسان یا دوره ای از دوره های حیات او را مهمل نگذارده و فراموش نکرده است، و برای همه شئون و دوره های حیات او حتی قبل از تولد تعالیم و آموزه های نورانی دارد.

اکنون سوال اصلی تحقیق پیش روی شما این است که: دیدگاه علامه محمد تقی جعفری در باب قلمرو دین حداقلی است یا حداکثری؟ به اعتقاد ایشان آیا دین در حوزه هایی که مربوط به عقل و تجربه انسانی است می تواند زندگی انسان را هدایت کند یا خیر؟ به زعم استاد هدف انبیاء آیا تنها آباد کردن آخرت انسانها بود

یادر فکر آبادانی حیات دنیوی آنها هم بودند؟ همچنین استاد جوادی آملی، آیا ایشان معتقدند دین برای اداره دنیا و آخرت انسان توأمان آمده است؟ یا نه، تنها آمده تا امور اخروی انسان ها را اداره کند؟ از دیدگاه ایشان دین در زندگی آدمی تا چه میزان کاربرد و نقش دارد، آیا دین آمده است تا به تمامی نیازهای زندگی انسانی پاسخ دهد یا حوزه ی کاربرد دین به اموری خاص محدود می شود. به طور مثال آیا می توان نظام های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، اخلاقی و ... را از منابع دین استنباط و استخراج نمود یا تنها در امور مربوط به زندگی اخروی، ابعاد شخصی زندگی انسان و امور از این قبیل باید به دین رجوع نمود؟

فرضیه نخستین ما در این تحقیق این است که نگاه این دو بزرگوار به دین نگاه حداکثریست. به عبارت دیگر هر دو معتقدند دین آمده تا هم امور دنیوی و هم امور اخروی بشر را مدیریت کند. یعنی قلمرو دین گسترده است و تمام ابعاد حیات انسان را در بر می گیرد. دین برای حیات فردی، اجتماعی، خانوادگی، سیاسی، اقتصادی و خلاصه همه شئون زندگی انسان برنامه دارد.

۳- سوال دیگری که در بحث قلمرو دین مطرح می شود سوال در مورد روش قلمرو شناسی است. از طریق دو نوع روش می توان به تبیین و بررسی قلمرو دین پرداخت: ۱- روش درون دین ۲- روش برون دین .

روش درون دین یعنی ما مستقیماً به سراغ متن دین می رویم تا قلمرو دین را بشناسیم یعنی محدوده آن را با رجوع به نصوص دینی تشخیص می دهیم. در این نوع روش خود دین به ما می گوید که در چه زمینه هایی از هدایت انسان سخن گفته است.

روش برون دین این است که از بیرون به دین نگریسته شود تا اهداف و قلمرو آن مشخص گردد. در این روش قلمرو دین و گستره آن بر مبنای انتظارات آدمی تعیین می گردد یعنی انسان بر اساس نیازها، انتظارات، توقعات و پیش فرض های خود به تحدید دین می پردازد.

سوال دوم ما در این تحقیق این است که علامه جعفری با کدام روش به تبیین قلمرو دین می پردازد؟ آیا ایشان تنها با مراجعه به خود دین و کنکاش در منابع دینی به تحدید قلمرو دین می پردازند یا در این مسیر از روش عقلی و برون دینی هم بهره می گیرند؟ همچنین استاد جوادی آملی، آیا ایشان پیرو روش درون دینی اند یا روش برون دینی؟ در اینجا باید ذکر کنیم که فرضیه نخستین ما این است که هر دو استاد در زمینه قلمرو شناسی دین از هر دو روش بهره برده اند. یعنی هم از طریق متون دینی و هم از طریق علوم عقلی و بشری سعی در شناسایی قلمرو دین کرده اند.

۴- در زمینه بحث از قلمرو شناسی دین و تبیین رویکردها و روش های آن به طور عام دین شناسان و اندیشمندان متعددی قلم زده اند من جمله آقایان عبدالحسین خسرو پناه، رضاعبادی، محمدعلی داعی نژاد

علی سلطانی، علیرضا پیروزمند و... اما در زمینه قلمرو دین به طور خاص از نگاه علامه جعفری و استاد جوادی آملی می توان به کتاب ضرورت و قلمرو دین از نگاه علامه جعفری نوشته علی ربانی گلپایگانی اشاره کرد.

۵- تحقیق حاضر از سه بخش اصلی تشکیل شده است. بخش اول به تبیین دیدگاه علامه جعفری در باب قلمرو دین اختصاص یافته است. در سه فصل اول، مبانی قلمرو شناسی دین از نگاه استاد مورد بررسی قرار می گیرد یعنی در این فصل ما در پی آن هستیم که مبانی بحث علامه جعفری را مطرح کرده و به روشنی مورد تبیین قرار دهیم. در فصل دوم از روش استاد در این زمینه بحث شده است. ایشان از طریق انسان شناسی و روابط چهارگانه در دو عرصه جهان بینی و ایدئولوژی سعی در شناختن قلمرو دین دارند. در پایان این فصل از مطالب مطرح شده نتیجه گیری شده است. در فصل سوم تحت عنوان قلمرو دین در عرصه های گوناگون حیات بشری به دنبال یافتن پاسخ این پرسش هستیم که از دیدگاه استاد جعفری دین تا کجای شئون زندگی ما وارد شده است و برنامه هدایت دارد؟

بخش دوم تحت عنوان قلمرو دین از نگاه استاد جوادی آملی دارای سه فصل است. در فصل اول مبانی بحث استاد در زمینه قلمرو شناسی دین مورد کنکاش قرار می گیرد از نگاه ایشان این مسئله دارای چند مبانی است: ۱- دین شناسی ۲- معرفت شناسی، و برای فهم نظر ایشان در این بحث ابتدا باید به تبیین این مبانی پرداخت. در فصل دوم، روش قلمرو شناسی ایشان مطرح و توضیح داده می شود. ایشان از طریق برهان ضرورت بعثت انبیا یا همان روش عقلی و از طریق انسان شناسی سعی در تحدید قلمرو دین می کنند. و همچون بخش اول در پایان این بخش از مطالب طرح شده نتیجه گیری شده است.

بالاخره در بخش سوم نظریه ها و دیدگاه های هر دو استاد در زمینه موضوعاتی مشخص و معین مورد ارزیابی قرار می گیرد.

۶- در پایان باید گفت که روش ما در این تحقیق روش تحلیل کتابخانه است.

بخش اول:

قلمرو دین از دیدگاه استاد جعفری

فصل اول

مبانی بحث قلمروشناسی دین

بحث استاد در باب قلمرو دین و گستره پاسخگویی آن به نیازهای انسان مبتنی بر یک سلسله مبانی و اصول است. استاد جعفری معتقداند در گام نخست شناسایی قلمرو دین باید دو مفهوم کلیدی حیات و دین را مورد کنکاش قرار دهیم. برای فهم اینکه چرا آدمی به دین رو می آورد و در دین چه می بیند که از غیر دین نمی تواند آن را بدست آورد، باید هم حقیقت دین و هم حقیقت حیات را بشناسیم. ما در ابتدا به طرح و تبیین این مبانی پرداخته و بعد از آن سعی می کنیم برپایه این اصول، دیدگاه استاد را در زمینه قلمرو دین بیان کنیم.

الف) حقیقت دین

به اعتقاد استاد جعفری هر انسانی باید به میزان معرفتی که درباره ی خود و جهان پیرامونش دارد، تکلیف خود را درباره ی حقیقت دین و علت نیاز به دین روشن نماید، زیرا انسان با داشتن اندک معرفتی درباره ی خویش و جهان هستی، ممکن است این سوال برای او مطرح شود که من به همراه اندیشه، عقاید و کارهایی که باید برای زندگی معمولی خود داشته باشم، آیا باید اندیشه، عقاید و فعالیت های دیگری هم به عنوان دین داشته باشم؟ هر اندازه معرفت انسان درباره ی خود و جهان و جامعه ای که در آن زندگی می کند بالاتر رود، پرسش از حقیقت دین و ضرورت آن، در طول زندگی جدی تر می شود، مگر اینکه شک بیمارگونه یا نوعی خودخواهی انسان را چنان مست کند که خویشتن، خدا، جهان هستی و هم نوع برای او مطرح نباشد. (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۲۱)

۱) تعریف دین: به نظر استاد جعفری، دین از مفاهیمی است که تعریف آن به سهولت میسر نیست. به همین دلیل است که تاکنون علی رغم کوشش فراوان دین پژوهان تعریف جامع و مانعی از دین که قابل قبول همه پیروان ادیان قرار گیرد و نسبت به همه ادیان شمول داشته باشد، بدست نیامده است. استاد منطقی ترین مواجهه با تعاریف متعدد دین را طبقه بندی کردن آن می دانند. طبقه بندی های مختلفی –

برحسب اغراض علمی گوناگون-از تعاریف دین ارائه شده است که در زیر به یک نمونه از آن اشاره مختصر می کنیم :

۱-۱) تعاریف عام: عده ای از دین پژوهان برای ارائه تعریفی جامع و فراگیر نسبت به ادیان گوناگون سعی کرده اند وجه مشترک ادیان را مورد بررسی قرار داده و از عناصر مشترک تعریفی عام و فراگیر ارائه کنند. بعنوان مثال برخی از فیلسوفان دین ، هر مکتبی را که حایز سه عنصر اصلی و اعتقادی : ۱-اعتقاد به ماوراء طبیعت ۲-هدفداری خلقت ۳-اخلاقی بودن هستی باشد دین می نامند .استاد جعفری ابهام اصلی این گونه تعاریف را عدم تمایز بین مقومات دین با خصوصیات عارضی آن می دانند. به زعم ایشان بسیاری از احکام دین مشترکند اما مقوم هویت دین نیستند.

۱-۲) تعاریف ماهوی : برخی از دین پژوهان با نگاه منطقی و بخصوص مباحث تعریف ارسطویی در جهت تعریف دین و نشان دادن هویت آن تلاش کرده اند. آنها در پی این هستند که دین از چه مقوله ای است و عناصر تشکیل دهنده آن و مقومات ماهوی آن چیست ؟ به عنوان مثال اسپنسر^۱ فیلسوف صاحب نظر انگلیسی دین را به اعتقاد به حضور چیزی مطلق و یا حضور مطلق چیزی می داند که تفحص ناپذیر است و به تعبیر دیگر از نظر وی دین غوطه وری در دریای اسرار است .به نظر استاد کسانی که سعی در تعریف ماهوی دین داشته اند به نوعی حیرت و ناتوانی از بیان هسته اصلی دین رسیده اند .

۱-۳) تعاریف روان شناختی و جامعه شناختی : تعریف دین از نگاه روان شناختی و جامعه شناختی از تعاریف مهم دین پژوهی جدید است که بر اساس عوامل و آثار روحی و اجتماعی به تعریف دین و تبیین پدیده های دینی می پردازد . به عنوان مثال فروید^۲ در تعریف دین می گوید : «دین کاوش انسان برای یافتن تسلی دهنده های آسمانی است تا او را درغلبه به حوادث بیمناک زندگی کمک کند» (به نقل از جعفری، ۱۳۷۸، ص ۹۵) یا مثلاً دوکیم می گوید : «دین اصول مشترکی از عقاید و اعمال مربوط به چیزهای مقدس و جدا از سایر امور می باشد و عقاید و اعمالی را شامل است که در جامعه اخلاقی موسوم به معبد ، آنچه را که به آن مربوط است با یکدیگر متحد و متصل می گرداند» (همان ص ۹۸). استاد جعفری در نقد اینگونه تعاریف معتقدند تعاریفی از این دست ، تعریف روشن و واضحی از دین بدست نمی دهند منظور تعریفی جامع و کامل است بلکه تنها بر بخشی از دین یا کارکرد آن انگشت می گذارند و آن را برجسته می کنند. به عبارت مختصر تعاریف روان شناختی و جامعه شناختی تعاریفی تک بعدی هستند . درست است که در دین و دینداری احساسات و عواطف نقش دارند، اما این تاثیرات روحی و جمعی محور نیستند . آنچه اصل

^۱ -Spencer

^۲ -Freud

و محور است عمل و تکاپو بر مبنای ارتباط با خدا و دریافت کیفیت قدسی و نورانی است که نادیده گرفته شده است .

۴-۱) تعاریف غایت گرایانه و اخلاق گرایانه: گروه دیگری از دین پژوهان با این توجیه که هدف هر پدیده ای مبین آن است و می توان در تعریف یک شی هدف آن را اخذ کرد سعی کرده اند دین را بر اساس هدف و غایت آن تعریف کنند . به عنوان مثال کارل بارت^۱ در تعریف دین می نویسد : «دین جستجوی انسان برای رسیدن به خداست و همیشه منتهی به یافتن خدا می شود به شرط آنکه مطابق میل انسان باشد» (به نقل از جعفری ، ۱۳۷۸ ، ص ۱۰۶). استاد جعفری نقص اینگونه تعاریف را خلط میان هدف و فایده می دانند. همین نکته است که آنها را بی اعتبار می کند. هدف و مقصد نهایی دین چیزی است و کارکرد آن چیز دیگری. آنچه این دسته از تعریف را بی اعتبار می کند یکی دانستن هدف و فایده دین است. گروهی دیگر از تعاریف که در این طبقه جای می گیرند رنگ و بوی اخلاق گرایانه دارند . یعنی عده ای از دین پژوهان با نگاه اخلاق محور به تعریف دین است زده اند . مثلاً وایتهد^۲ در تعریف دین می گوید : «دین دستگاهی از حقایق کلی است که چون صادقانه آن ها را بپذیرند و به صورت صحیح فهم کنند ، اثر تغییر شخصیت و اخلاق از آن آشکار می شود.» (به نقل از جعفری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱). استاد جامع و کامل بودن اینگونه تعاریف را نیز رد می کنند و معتقدند درست است که اخلاق جزئی از دین است اما تمام دین نیست. تعریف دین به اخلاق در حقیقت فرو کاستن آن است. رابطه بین دین و اخلاق رابطه عموم و خصوص مطلق است نه رابطه تساوی. (جعفری، ۱۳۷۸، ص ۳۹-۱۱۱)

ارکان دین: بعد از ذکر این مقدمه باید گفت استاد جعفری به جای آن که به تعریف دین بپردازد ، دو رکن اساسی دین را بیان کرده اند :

رکن اول، از مقوله اعتقاد است و این اعتقاد از اجزای زیر تشکیل می شود :

۱- اعتقاد به خداوند یکتا که جامع همه صفات کمال است .

۲- اعتقاد به اینکه خداوند جهان را بر مبنای حکمت برین خود آفریده است .

۳- اعتقاد به اینکه خداوند انسان را به وسیله دو راهنمای بزرگ درونی (عقل) و بیرونی (پیامبران) در مجرای حرکت تکاملی ، تا ورود به لقاءالله ، قرار داده است .

^۱ -K.Bart

^۲ -Whaitehead

۴- اعتقاد به ابدیت که بدون آن، جهان هستی و زندگی انسان معمایی لاینحل است.

همه این اعتقادات مستند به عقل سلیم و دریافت فطری بدون تقلید می باشد.

رکن دوم، برنامه حرکت انسان به سوی هدف است که این برنامه احکام و تکالیف نامیده می شود و این

احکام و تکالیف دو دسته اند:

(۱) **اخلاقیات**: احکام و تکالیفی که برای کسب شایستگی ها و تهذیب نفس و تصفیه درون مقرر شده است.

اغلب این احکام و دستورات به جهت فطری بودن و عمومیت شایستگی ها و ارزش ها برای همه مردم،

امضایی است و نه تاسیسی.

(۲) **احکام فقهی**: که به دو دسته تقسیم می شوند:

(الف) احکام اولیه: که به نیازهای ثابت و همبستگی انسان نظر دارند. احکامی که جز با تغییر موضوع تغییر

نمی کنند. این احکام از همان ابتدا توسط شارع مقدس در جهت تنظیم، مدیریت و ساماندهی ارتباط های

چهارگانه انسان یعنی ارتباط انسان با خویشتن، با خداوند، با جهان هستی و با هممنوع خود مقرر و قطعی

گردیده است، به گونه ای که تغییر و تبدل در نهاد آنها راه ندارد. مانند حرمت قتل نفس، زنا، میگساری،

ربا و وجوب عبادات معین و ...

(ب) احکام ثانویه: که به شرایط ویژه و ضرورت های خاص زندگی فردی و اجتماعی مربوط می شود و با

پایان یافتن آن ضرورت ها، احکام آن ها نیز منتفی می گردد و همچون گذشته احکام اولیه که ناظر به

نیازهای شایسته است به جریان می افتد. احکام ثانویه از جهت مشروط بودن آنها به شرایط و ضرورت های

خاص، همچون احکام اولیه ثابت خواهند بود، و تغییراتی که در مورد آن ها رخ می دهد، مربوط به مصداق و

مورد است نه حکم الهی. موضوعات احکام دو دسته اند: تشخیص پاره ای از آنها و چگونگی تحقق بخشیدن

به آنها به عقل و دانش بشر واگذار شده است همچون اهمیت کشاورزی برای جامعه که موجب وجوب

فعالیت مزبور می باشد. اما موضوعات برخی از احکام را شریعت بیان کرده است مانند نماز که از اذکار ویژه

ای تشکیل شده است و رضاع که احکام شرعی ویژه ای دارد و مقدار آب کر و نظایر آن. (جعفری، ۱۳۷۸،

ص ۱۴۲-۱۴۴)

(۲) **دلایل نیازمندی بشر به دین**: استاد جعفری جواز بحث از قلمرو دین را بحث از علت نیازمندی انسان

به دین می دانند. به اعتقاد ایشان ما قبل از وارد شدن به مباحث تعیین قلمرو دین و کنکاش در باب

چهارچوب دین باید از علت نیاز به دین سخن بگوییم. ابتدا باید مشخص شود چرا انسان ها به دین